

بررسی مضامین تعلیم و تربیت در آثار عباس یمینی شریف

طاہرہ محمدی فرد*

چکیده

از زمانی که مسالہ تعلیم و تربیت در زندگی انسان مطرح شدہ است، ادبیات کودکان و نوجوانان نیز ہمراہ آن مطرح شدہ است. بہ این صورت کہ بزرگسالان برای تغییر رفتار کودکان و اثرگذاری روی آن‌ها داستان‌ها یا متل‌ها و یا سرگذشت تجارب خود را داستان وار بہ ایشان می‌گفتند و این واقعیت را دریافته بودند کہ این روش تربیتی از تربیت مستقیم یا اندرز دادن مستقیم موثرتر است زیرا انسان، بہ خصوص در دوران خردسالی، حکایات، افسانہ‌ها و قصہ‌ها را طبعاً دوست دارد و از محتوای آن‌ها متاثر می‌شود داستان، کودک و نوجوان را رہبری می‌کند و موجب تربیت و افزایش نیروی فکر او می‌گردد. از جملہ دست آوردهای داستان، راهنمایی‌های اخلاقی بدون اجبار، شخصیت پذیری و استقلال شخصی و همچنین بر آورده کردن بعضی از نیازهای ذهنی و عاطفی و لذت بردن است. در این راستا نگارندہ بر آن است کہ جنبہ‌های تاثیر تعلیم و تربیت را در اشعار عباس یمینی شریف را بررسی کند و مضامین تربیتی را در اشعار یمینی مشخص کند.

واژگان کلیدی: ادبیات کودک و نوجوان، تعلیم و تربیت، عباس یمینی شریف

taherehmohammadi2020@gmail.com

* کارشناس ارشد ادبیات

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۳



مقدمه

بررسی پیشینه اشعار کودکان و نوجوان در دوره معاصر

الف) دوره مشروطه

در دوران مشروطه شعر فارسی متناسب با ضرورت تاریخی و اجتماعی از دربار قدم به کوچه و بازار می‌گذارد. در این دوران که عصر دگرگونی فرهنگی و ادبی و تعلیم و تربیت است، شاعرانی سر برآوردند که با گرایش به توده مردم و بکارگیری ذهن و زبان آنان شعری می‌سرودند و در میان اشعارشان، شعرهایی می‌توان یافت که به کار کودکان می‌آمد. (کیانوش، ۱۳۵۵: ۳۵).

اشعار کودکان ایرج میرزا (۱۳۰۴-۱۲۵۳ ش) از نظر سبک شناسی زمانی برگرفته از فضای مشروطیت، ساده، گویا و قابل فهم برای عموم است.

داشت عباسقلی خان پسری	پسر بی ادب و بی هنری
اسم او بود علی مردان خان	کلفت خانه ز دستش به امان
پشت کالسکه مرام می‌جست	دل کالسکه نشین را می‌خست
هر سحرگه دم در بر لب جو	بود چون کرم به گل رفته فرو...
هر کجالانه گنجشک بود	بچه گنجشک در آوردی زود
نه پدر راضی از او نه مادر	نه معلم نه لکله نه نوکر
ای پسر جان من این قصه بخوان	تو مشو مثل علی مردان خان

(ایرج میرزا، ۱۳۵۶، ۱۵۵)

ایرج میرزا سروده‌هایی با عنوان‌هایی چون «وطن دوستی، ستایش مادر، حق استاد، نصیحت پدر به فرزند برای کودکان دارد او گاهی در اشعارش از نابرابری‌های اجتماعی هم سخن می‌گوید.» (هادی محمدی، ۱۳۸۴، ۵۴۰)

مجموعه شعر گلزار ادبی سروده اشرف الدین حسینی نیز یکی از دیوان‌هایی است که اشعار کودک پسندی در آن وجود دارد. البته نسیم شمال بیشتر این اشعار را برای انتقاد از وضعیت روزگار خود سروده اما «برای کند کردن تیغ تیز انتقاد خود و کنترل واکنش صاحبان قدرت و حکومت، حرف‌های خود را در ظرف زبان کودکان ارائه می‌کند. او برای این منظور، گاهی راوی



شعر را کودک قرارداد، مسائلی از زبان او در مکالمه با پدر، مادر و همشاگردی مطرح می‌کند.
(صادق‌نژاد، ۱۳۹۲، ۱۶۱)

میرزا علی اکبر صابر، خالق «هوپ هوپ نامه» نیز اشعاری به زبان ترکی برای کودکان سروده است. در میان اشعار ملک شعرای بهار نیز شعرهایی می‌توان دید که کودکانه است. میرزا یحیی دولت آبادی نیز با سرودن اشعاری آهنگین زمینه را برای به وجود آمدن ادبیات کودک مساعد کرده است. یکی از دیگر نویسندگانی که می‌توان ادعا کرد که نقشی در ادبیات کودکان دارد پروین اعتصامی است. در لابلای اشعار پروین به شعرهایی مناسب حال کودکان برخورد می‌کنیم. با اندک تأملی در دیوان پروین، جنبه‌های تربیتی و اخلاقی اشعارش به وضوح دیده می‌شود؛ که البته به جهت زبان ساده اشعارش در تربیت و تعلیم کودکان نقش بسزایی دارد؛ چنانکه در کتاب‌های درسی کودکان بارها به اشعار پروین برخورد می‌کنیم. (طغیانی، مختاری، ۱۳۹۱، ۷۸۸)

روزى گذشت پادشهی از گذرگهی	فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خواست
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم	کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست	پیداست آنقدر که متاعی گران بهاست
پروین! به کجروان سخن از راستی چه سود	کوآنچنان کسی که مرنجد از حرف راست

(اعتصامی، ۱۳۵۵، ۱۴۳)

دوره نوگرایی

«باتأسیس حکومت پهلوی (۱۳۰۴ ه.ش)، مشروطیت از نفس افتاد و استبداد و سکوت و سکون ناشی از آن، جایش را گرفت. در این مقطع تاریخی، ایرج میرزا که جزء اولین شاعران کودک به حسابش آورد در گذشت. اشرف الدین حسینی را مجنون خواندند و سرانجام در تنهایی و بی کسی جان سپرد. بهار هم مانند بسیاری دیگر از ادبا، به سمت تحقیقاتی ادبی و تاریخی بی خطر سوق پیدا کرد و به گمان نگارنده شاید بشود گفت در این دوره نه تنها کسی شعری با مخاطب کودک نسرود، هیچ گونه شعری که پسند کودک باشد هم برایشان نگفت، با شروع جنگ جهانی



دوم، هجوم متفکین به ایران و تبعید رضا شاه، استبداد تا حدودی رنگ بافت و دستگاه سرکوب و سانسور از هم پاشید و مجلات و نشریاتی از زمینه ادبی و اجتماعی و... پا به عرصه وجود نهاد. (صادق نژاد، ۱۳۹۲، ۱۶۴)

دهه نخست کار نیما یعنی از سال‌های ۱۲۹۹ ش تا ۱۳۰۹ اگر چه از جنبه شعر شناسی اهمیت چندانی ندارد اما می‌توان اشعارش را در حیطه ادبیات کودک مهم دانست. نیما زمانیکه در مسیر کمال بخشیدن به شعر خود انواع آزمایش‌ها را می‌کرد دست به سرودن قطعات تمثیلی و طنز آلود زد که از آن جمله می‌توان به «بز ملاحسن» «پرنده منزوی» «خروس و بوقلمون» آواز قفس و بهار اشاره کرد که در زمینه ادبیات کودک می‌باشد. (باحقی، ۱۳۸۵، ۳۷)

گلچین گیلانی نیز با شعر معروف و زیبای باران در ذهن و روان کودکان ماندگار ماند و شعر او در کارنامه ادبیات کودکان حک شد. شعر باران هنوز هم ورد زبان کودکان دیروز و امروز است. شعر باران، موسیقی و وزنی مناسب را به دنیای کودکان به ارمغان آورد. (هادی محمدی، ۱۳۸۴، ۷۵۶). باز باران/ با ترانه/ با گهرهای فراوان/ می‌خورد بر بام خانه... (گلچین گیلانی، ۱۳۵۰، ۳).

عباس یمنی شریف نیز در این زمان با سرودن اشعاری شیرین و دلکش برای بچه‌ها پا به میدان ادبیات کودکان گذاشت و در این عرصه شهرتی به سزا بدست آورد. اشعار یمنی شریف سال‌های متمادی در کتاب‌های درسی ایران به چشم می‌خورد. (باحقی، ۱۳۸۵، ۵/۲۹). حسین گل گلاب نیز یکی دیگر از پایه‌گذاران سنت شعری کودکان است که سرورهایی با عنوان «سروده‌های مدارس» دارد.

غلبه مفهوم تعلیم و تربیت و توجه به موضوعات ادب تعلیمی

مسئله تعلیم و تربیت تا آن اندازه مهم است که شاعران نوگرایی مشروطه تا به اکنون در کنار مسائل عاطفی، اخلاقی، بازی و سرگرمی به این امر مهم نیز توجه بسیار کرده‌اند و اشعاری را در این راستا سروده‌اند. عباس یمنی شریف، یکی از اولین شاعران کودکی بود که به شغل شریف معلمی مشغول بود. لذا همواره سعی می‌کرد در اشعارش از مفاهیم درست و نکوهش موارد نادرست برای



مخاطبانش سخن بگوید. حتی مضامین درسی را نیز با استفاده از زبان شعر به کودکان آموزش می‌دهد.

توجه به ادبیات کودک از جانب یمینی در تاریخ ادبیات کودک رفتاری کاملاً نو به حساب می‌آید اما شیوه او در بیان اندیشه اش به کودکان نصیحتی می‌باشد، گویا شعر برای یمینی ابزاری بود برای رسیدن به هدفش و هدف او به عنوان یک آموزگار کاملاً تعلیمی و تربیتی بود. او چندان در قید ظاهر کلام نبود. بلکه همیشه سعی داشت اندیشه تربیتی خود را از زبان دانای کل به مخاطب خود برساند. شیوه نگرش یمینی را می‌توان از گفته‌های او استنباط کرد. او درباره مضامین شعر خود و چگونگی ساختن شعرهایش چنین می‌گوید: «موضوع شعر گاه خود پیش می‌آید و محیط القاء می‌کند، گاه برای بیان منظوره‌های خاص موضوع‌های مناسب انتخاب می‌شد و فی‌المثل بنا به وظیفه یک معلم و مربی از جمله کارهای من این بوده است که گاه در برابر موضوع شعری که از سابق وجود داشته و در اذهان جای گیر شده است ولی از نظر اجتماعی و تربیتی و تأثیر روانی در آن عیبی تشخیص می‌دادم و زیان آورش می‌دیدم، شعری از نو می‌ساختم و منتشر می‌کردم به امید اینکه روزی جایگزین آن شود.» (یمینی، ۱۳۵۰، ۲۵)

گونه‌های شعر آموزشی

شعر آموزشی بیشتر به دو گونه اصلی بیان شده است:

الف: «اشعاری که با صراحت و زبان مستقیم سروده اند چنان که گویی فرد بزرگسالی کوچکترها را خطاب قرار می‌دهد و آنان را به کاری امر و نهی می‌کند و به قول معروف نصیحت می‌کند.
ب) اشعاری که شیوه بیان در آنها صراحت زبان اشعار دسته اول را ندارد، ولی با بیان غیرمستقیم تر به توصیه و پند اندرز می‌پردازد، هر دو گونه این شعرها، با عنوان شعر آموزشی معروف شده‌اند.» (گرمارودی، ۱۳۸۲، ۱۹۷-۱۹۶)

نوع اول در ادبیات کلاسیک در حکایاتی از نظامی و قطعاتی از ابن یمین یا عبید زاکانی دیده می‌شود اما نوع دوم برای نخستین بار در اشعار ایرج میرزا خود را نشان داد. چون «حکایات کودکانه ای که در متون هست - برخلاف نظر بعضی منتقدان شعر کودک سروده نشده است -



برای اولین بار ایرج میرزا است که داستان منظوم را در شعر کودک برای آموزش به کار گرفت.»
(گرمارودی، ۱۳۸۲، ۱۹۷)

مضامین وصفی

«در مضامین وصفی همه چیزی می‌تواند موضوع شعر کودک واقع شود؛ طبیعت با همه پدیده هایش، احساسات و عواطف، اسباب و اشیاء و حتی مفاهیم و معانی.» (کیانوش، ۱۳۵۲، ۱۰۴) در توصیف، کودکان را به تماشای صحنه‌ای شاعرانه وا می‌داریم که البته در یک وصف شاعرانه هر چیز که در حال وصف است باید خصوصیاتش مورد وصف قرار گیرد اگر باران است باران باشد با شادابی و طراوتش و با ویژگی‌های حیات بخشگیش.

طبیعت

کسانی که طبیعت‌گرا هستند معمولاً روحیه‌ای سالم و متعادل دارند، سختی و مبارزه را خوب تحمل می‌کنند و بهتر با مشکلات روبرو می‌شوند. افزون بر آن طبیعت محل کشف بسیاری از رمزهای خلقت است. آنچه را که کودکان و نوجوانان در کتابهای علمی می‌خوانند باید در طبیعت نیز تجربه کنند و بسیاری از شعارها و عقاید مذهبی را در طبیعت لمس کنند؛ در این صورت می‌توان انتظار داشت که آن‌ها را بپذیرند. بنابراین افزون بر اینکه کودکان و نوجوانان باید ساعت‌هایی را در طبیعت بگذرانند، باید کتاب‌هایی را در رابطه با طبیعت، حیوانات و زندگی آنها نیز مطالعه بکنند.

توجه به طبیعت جهان هستی یکی از مختصات بارز اشعار یمینی است. با نگاه مختصری به موضوع اشعار یمینی بسامد عناصری که مربوط به طبیعت هستند را بسیار زیاد می‌بینیم عناصری چون سرو، کاج، چنار، درخت سیب، سبزه، سنبل، صبح ده، غروب روستا، خورشید، برف و باران، فصل بهار و فصل پاییز همگی تأییدی بر طبیعت دوستی یمینی است. گویا اشعار یمینی فراخوان کودک به سوی طبیعت است. زندگی که در اشعار او جریان دارد یک زندگی روستایی شاد و پرانرژی هست. یک دلیل مهم برای این خصلت از شعرهای یمینی را در این امر می‌توان دانست که او



دوران کودکی اش را در دره در بند که در آن زمان هنوز صفای روستایی خود را حفظ کرده بود گذرانده است.

یکی دیگر از موضوعات مضامین وصفی، توصیف ده و محیط روستاست. یمینی گویا عاشق روستاست او در اشعارش روستا و هر آنچه را که متعلق به آن است با زبان کودکانه و دلنشین برای کودکان بیان می‌کند.

می‌رود بره شتابان پی میش	شیر می خواهد از مادرخویش
سر به دنبال بزی بزغاله	شیر مادر طلیبد با ناله
چوب در دست گرفته چوپان	رَمه می‌راند با جنبش آن
رَمه از پیش رود او از پی	می‌کند هوهوهو، هی هی هی
اهل ده نیز پی کوشش و کار	همه رفتند به شوق بسیار
درده آرامش و کارشادی ست	در ده آسودگی و آزادی ست
کار و آزادی و شادی هرجاست	جای خوش زیستن انسان هاست

(یمینی، ۱۳۵۰، ۱۸)

یکی از موضوعات مضامین وصفی حیوانات هست. پرداختن به حیوانات اهلی، مثل گاو، گوسفند، مرغ و خروس و گربه و برخی از حیوانات غیر اهلی همچون موش و گرگ و شغال از بارزترین مشخصه شعر یمینی است.

یک گلّه گاو در چراگاه	در حال چرا به جای دلخواه
هر جا که چریده شد علفها	جای دگری روند آنگاه
دُمها چپ و راست می‌تکانند	با گوش مگس ز خود پرانند
آرنند زبان خویش بیرون	با آن به دهان علف رسانند

(یمینی، ۱۳۷۳، ۷۵)



گل‌ها و درخت‌ها

کم تر شعری را از اشعار شاعران کودک می‌توان دید که در آن گل و درخت از انواع گوناگون وجود نداشته باشد. گویی گیاهان و گل‌ها مانند حیوانات جزء لاینفک شعر کودک محسوب می‌شوند. به جرأت می‌توان گفت یمینی درباره تمام درختان شعر گفته و ویژگی‌های آنها را توصیف کرده است.

تبریزی

همچو سربازان تمام سینه و سر با نظام
گشته تبریزی به صف بین هر صف نیم گام
(یمینی، ۱۳۵۲، ۴۵)

و یا

سرو ناز راست بالا با قد و بالای زیبا
می‌کند چون دیده بانان دیده بانی در چمن‌ها
(یمینی، ۱۳۵۲، ۲۶)

فصل‌های چهارگانه

با بررسی در دفاتر شعری یمینی متوجه می‌شویم که او به فصل بهار علاقه وافری دارد و این متأثر از جهان بینی مثبت و خوش بینی اوست. در شعر او سخن از برف و زمستان نشده است مگر اینکه روزهای آخر زمستان را توصیف می‌کند که برف‌ها در حال آب شدن هستند و نسیم اسفند پیام شادی بخش بهار را به دشت و کوهسار می‌رساند.

آمده بوی بهار شاد شده روزگار
با ورزش هر نسیم بید شود بی قرار
(یمینی، ۱۳۵۲، ۸)

چون رود فصل سرد زمستان گل فشانی کند باغ و بوستان



سبزه‌ها از زمین‌ها بروید تازه و خرم و سبز و خندان
(یمنی، ۱۳۷۶، ۵۴)

یمنی از فصل پاییز نیز سخن می‌گوید توصیف او از فصل پاییز بیشتر بر روی ویژگی‌های مثبت پاییز متمرکز است. فصل پاییز فصل درو و جمع آوری محصولات کشاورزی است و این یکی از صحنه‌هایی است که آن خیلی زیبا توصیف کرده است که در آن همه کشاورزان شاد و خندان مشغول جمع آوری محصولات خود هستند.

وزان شد بادِ پاییز کنیم آماده هر چیز
زهر تخمی که کشیم زمین صد دانه آورد
همه بودیم پُر کار چه بود آسان چه دشوار
از آن گردد بیه زودی پُر از محصول انبار
(یمنی، ۱۳۵۰، ۳۳)

و یا اینکه فصل پاییز یاد آور آذوقه جمع کردن برای زمستان سرد و سخت است.

با باد مهر و آبان شد فصل برگ ریزان
شد کم کمک هوا سرد برگ درخت شد زرد
بیند تهیه دهقان آذوقه زمستان
آماده کرده گندم آرد و زغال و هیلم
(یمنی، ۱۳۵۰، ۳۴)

برگهای زرد پاییز برای او از فلسفه مرگ و زندگی سخن می‌گوید، که انسان نیز روزی همانند برگها، جوان و شاداب است و به هنگام رسیدن فصل خزان زندگی زرد و پژمرده می‌شود و این دیدگاه را به طور ضمنی به کودک منتقل می‌کند.

قصه گویند برگ‌های خزان مات و حیران بر زیر چرخ کبود
بر زمین‌ها بر آبها، به هوا قصه هست و نیست، بود و نبود
(یمنی، ۱۳۷۳، ۱۳۵۵)



«مضمون بازگشت به طبیعت و بازگشت به روستا به گونه ای فراگیر و تکراری و دل آزار سایه بر بسیاری از سروده‌های کودک و نوجوان انداخته است و این ویژگی در شعر دهه هفتاد و هشتاد هم به چشم می‌خورد. در حالیکه زندگی کودکان شهری به گونه ای جدایی ناپذیر با تکنولوژی و صنعت گره خورده و نمی‌توان این ابزار و وسایل کار آمد را همچون هیولاهای وحشتناک و تابلوهایی ناشایست توصیف کرد. به نظر می‌رسد باید چشم‌ها را شست و با نگاهی دیگر به دنبال یافتن پیوندهایی منطقی، شایسته، مهرآمیز و معنوی میان کودک و جهان صنعتی پیرامون او بود تا او یاد بگیرد که می‌تواند در کنار وسایل برقی، صنعتی و تکنولوژی خود، رفتاری طبیعی، معنوی و صمیمی داشته باشد. نباید او را به این گمان انداخت که این ابزار دشمنان زندگی معنوی او هستند.»

(کاوس حسن لی، بی‌تا)

شهر و صنعت و تکنولوژی بندرت در اشعار او دیده می‌شوند. در کتاب نیم قرن در باغ شعر کودکانه تنها دوبار از وسایلی که مربوط به زندگی شهری است سخن رفته است. ساعت در صفحه ۴۸ و ترن در صفحه ۶۰ و تنها یک بار از زیبایی شهر ستوده است.

خیابان‌ها قشنگ و دلربا بود	عمارتهای بلند و خوش نما بود
چه دکانهای خوبی بود هر جا	در آنجا می‌شد از هر چیز پیدا
فری با آن زد آن مرد دهقان	روان بودند خوش در هر خیابان

(یمینی، ۱۳۷۳، ۱۴۰)

مضامین پایداری

انقلاب اسلامی ایران و در پی آن وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یک اتفاق عظیم تاریخی و اجتماعی بود که بر همه وجوه زندگی مردم ایران تأثیر گذاشت. شاعران و نویسندگان ادبیات کودک نیز از این تأثیر به دور نماندند و مضامین جنگ و شهادت و اسارت و پایداری در برابر دشمن را وارد ادبیات کودک کردند تا کودکان را با این مضامین والا آشنایی دهند و حس زیبایی وطن دوستی و میهن پرستی را در کودکان نهادینه کنند.



یمینی در شعر در «ایران عزیز» کشور ایران را از تمام جهات به کودک می‌شناساند، او نخست از طلوع و غروب خورشید سخن می‌گوید سپس تمامی مظاهر طبیعی کشور را یک به یک به کودک گوشزد می‌کند. از چشمه سارهای زیبا، انواع درختان پر میوه، کوه‌های سرافراز که دلش پر از گوهر و بیرونش پرورشگاه خوردنی‌های لذیذ است. او از پرندگان زیاد و متفاوت سخن می‌گوید. برای بچه‌ها از دریاها و نعمت‌های گوناگون آن تعریف می‌کند. او برای بچه‌ها گوشزد می‌کند خلیج فارس «نامش همیشه فارس» است و این نام تقدس دارد. از کویر خشک که پر از انواع حیوانات هست و روز و شب به دنبال آب و علف هستند سخن می‌گوید. چاه‌های فراوان نفت و معدن‌های غنی آهن و مس را به کودک می‌شناساند. او از شاعران و عالمان و پهلوانان ایران زمین سخن می‌گوید و در پایان از کودکان می‌خواهد که ایران عزیز را در برابر دشمنان و بیگانگان محافظت نمایند.

توی دریای خزر، یا به بحر عمان / یا که در آب خلیج / آن خلیجی که بود نام دل انگیزش فارس نام
زیبای مقدس / که برازنده تر از هر نامی ست / تا جهان باقی و دریا و خلیجی باقی ست. / در کویر
خشکت / گر بود ریگ روان / گله گله حیوان... / آه ایران عزیز / سرزمین زرخیز / نفت، دریا دریا /
کوه کوه، آهن و مس / همه جا کان زغال / همه کانه‌ها، همه جاها... / سرزمینی که به فرهنگ جهان
خدمت کرد / به هنر رونق داد / مولوی و سعدی و حافظ پرورد / زاد فردوسی را / زادو پرورد به
دامن خیام / که ازو هست به هر گوشه‌ی این عالم نام / زاد بیرونی را، بوعلی سینا را / سرزمین
یزدان / مرز یاران اهورا مزدا... (یمینی، ۱۳۷۳، ۱۰۱-۹۶)

توجه دقیق به این شعر خواننده را به یک اصل خیلی مهم رهنمون می‌کند. شاعر در این شعر به تمام پدیده‌های طبیعی کشور ایران اشاره کرده است و پس از آن مفاخر علمی، تاریخی و ادبی ایران را می‌شمارد اما نکته قابل تأمل اینجاست که او سرزمین ایران را به اهورا مزدا سپارد و از او می‌خواهد یاور مرزداران ایران باشد. در شعر مذکور مذهب و تعلیمات دینی جایگاهی ندارند و اصلاً اشاره‌ای به آن‌ها نشده است.

بعد از انقلاب ادبیات کودکان و نوجوانان مثل همه شئون ادب و فرهنگ ایران تحت تأثیر جو دینی واقع شد و از اندیشه‌های مادی و غیر دینی پیش از آن فاصله گرفت. یمینی نیز همسو با این



انقلاب فرهنگی در مضامین شعری خود تغییری داد. او از میدان جنگ، شهادت‌ها، اسارت‌ها و مردانگی‌های شیران کشورش در جبهه‌ها برای کودکان شعر گفت.

ایرانیان شیران و گردان دلاور	مردانه می‌تازند بر خصم بد اختر
بر قلب دشمن حمله ور گردند یکسر	توفنده چون توفان و غرآن همچو تندر
برپاکنند از گیر و دار جنگ محشر	دشمن به دوزخ می‌فرستند و به آذر
گیرند اسیر از جنگ برق آسا هزاران	گیرند جانهاشان بگناه رزم آسان

(یمینی، ۱۳۷۳، ۱۴۸)

صلح طلبی

ای مردم خاک عراق ای قوم ناکام	ای کشور ویران شده ز ندیشه خام
آیا نمی‌پرسید از آن بد مردِ بدنام	آخر چه می‌خواهد بدست آری سرانجام؟
جز مرگ و نابودی بغیر از رنج و آلام	غیر از زیانِ مردی افتاده در دام...
گر شر ظالم کنده شد ما دوستانیم	با همدگر همسایه‌های مهربانیم

(یمینی، ۱۳۷۳، ۱۴۹-۱۴۸)

مضامین اخلاقی

اشعاری که در آنها نکته‌ای اخلاقی یا تربیتی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به کودک القاء می‌شود اشعاری با مضامین اخلاقی نامیده می‌شوند. شاعر، یک اثر تربیتی و اخلاقی را مد نظر می‌گیرد و برای بیان آن شعر می‌گوید.

نگرش یمینی بر دنیا کاملاً مثبت است. هیچ بدی در دنیا وجود ندارد. دشت پر از گل‌های زیباست. درختان سرسبز و پر از میوه هستند. روستائیان در حال کارند و گرچه خسته می‌شوند اما شادمان و خوشحال هستند. بچه‌ها در حال بازی هستند و هیچ غمگین نمی‌شوند. خداوند دنیا را زیبا خلق کرده است و اگر کاستی و زشتی و یا خوبی و خوشی در دنیا باشد همه از وجود انسان است. پس



یمینی به طور تلویحی به کودک القا می کند که منبع شادی و غم در جهان خود اوست. او می تواند سرنوشت سراسر شادی برای خود انتخاب کند و یا بالعکس.

روی زَمینِ رنــــــگ	روی هــــوا بـــــــوی
گــــل لایِ هــــر ســــنــــگ	گــــل بر لــــب جــــوی
دنیــــا کــــه زیــــاســــت	شــــادیش از ماســــت
گــــر زشــــت گــــردد	از ماســــت پیداســــت

(یمینی، ۱۳۵۰، ۱۳)

تصور و دیدگاه یمینی درباره خانه نیز بسیار زیباست. در خانه ای که یمینی برای کودک ترسیم می کند. خانه محل امن و آرام و پر از شادی است. پدر و مادر هر دو حضور دارند. خواهر و برادرها باهم به خوبی و مهربانی رفتار می کنند. کودکان در خانه تنها مشغول بازی و شادی هستند و دغدغه دیگری در سر ندارند. خانه ای که یمینی تصویر می کند. همچون کشتی نوح از حوادث و مشکلات زندگی در امان ست و هیچ کجای عالم به غیر از خانه همبستگی و آرامش وجود ندارد.

خانه دنیای خوش و دلخواه انسان	سر پناه شادی و امن دل و جان
گوشه آزادی و آرام و دنجی	در پناهش می شود هر درد درمان
مهرگاه مادر همچون فرشته	آنکه می تابد رُخش چون مهر تابان
جای پر مهر پدر آن یار مادر	آنکه تابد از نگاهش مهر پنهان
بچه ها باهم در آن سرگرم بازی	چون گلان نو شکفته شاد و خندان
گفتگوهای محبت در میانه	باهم آهنگی شده هر شکل آسان
گفتی نوح است خانه در حوادث	در امان از بیم موج و خشم طوفان

(یمینی، ۱۳۵۲، ۴۶)

مهربانی

مهربانی نیز از یکی از موضوعات اخلاقی شعر یمینی است. او با سرودن شعر «بره پری» در مرحله نخست بچه ها را به دوست داشتن حیوانات و مهربانی کردن به آنان فرا می خواند. سپس در بطن



داستان به کودک می‌فهماند که رفتار میان دو شخصیت، متقابل است اگر بره همراه پری به مدرسه می‌آید به دلیل لطف و مهربانی پری به اوست.

صبح یک روز پری گشت روان
بره چون شد به دبستان وارد
همه گفتند که این بره ز چیست
گفت اینگونه معلم به جواب

به دبستان پی او بره دوان
خنده هنگامه شد از شاگردان...
که به دوری ز پری مایل نیست
مهر بره همه از مهر پرست

(یمینی، ۱۳۷۳، ۱۱۹)

نکوهش قضاوت زود هنگام

یمینی در داستان زیبای اسب و سگ به صورت بسیار ماهرانه و زیبا خصلت پیش داوری را مورد نقد قرار می‌دهد. داستان این گونه آغاز می‌شود که در خرمنی یک تل کاه وجود داشت که سگی بر روی آن نشسته بود. سگ ظالمانه به هر سو نگاه می‌کرد و هر کس که به طرف تل کاه می‌آمد به سویش حمله ور می‌شد.

نظر می‌کرد هر سو ظالمانه
نگه می‌کرد هر کس سوی آن کاه

به هر کس بانگ می‌زد بی بهانه
به سویش حمله ور می‌شد به ناگاه

(یمینی، ۱۳۷۳، ۱۱۴)

روزی اسبی گرسنه از کنار خرمن عبور می‌کرد. اسب وقتی کاهها را می‌بیند از آنجا که کاه غذای محبوبش است نا خود آگاه به طرف کاه روانه می‌شود. سگ شروع به پارس کردن می‌کند تا اسب را از آنجا دور کند وقتی اسب از کاه خوردن ناامید می‌شود به سگ نگاهی می‌کند و با خنده به او چنین می‌گوید:

چه لطفی دارد این فریاد و این جنگ
اگر این توده کاه استخوان بود

گرفتن زندگی بر دیگران تنگ
چه آشوبی پیا در این مکان بود

برو بیزارم از روی سیاهت
برو هرگز نخواهم خورد کاهت

(یمینی، ۱۳۷۳، ۱۱۵)



اما سگ در جواب اسب با نرمی و آرامش پاسخ تکان دهنده ای می‌دهد که خواننده را متأثر میکند.

مرا بهر نگهبانی نهادند به بذل و بخشش فرمان ندادند
 مرنج از من که من مأمور باشم اگر سنگین دلم معذور باشم
 (یمینی، ۱۳۷۳، ۱۱۵)

کودک با خواندن این شعر زیبا و تأثیر گذار با صفت قضاوت زود هنگام آشنا می‌شود و بدیهی است که یاد خواهد گرفت که همانند اسب قضاوت نابجا نکند و با سگ که در آغاز داستان به صورت وحشی ترسیم شده بود موافق می‌شود و او را ستایش می‌کند.

خداشناسی

«بسیاری از شاعران دوره دوم در اشعار خویش توجه کودک را به خالق جهان معطوف داشته اند و با شمردن نعمت‌ها و خلاقیت او در آسمان و زمین اشعاری مناسب حال کودک سروده‌اند» در سروده‌های یمینی نیز مضمون خداشناسی وجود دارد. اما این مضمون نسبت به دیگر مضامین خیلی اندک است و حتی به اندازه انگشتان یک دست نیز نمی‌رسد و این به شرایط سیاسی و اجتماعی آن عصر باز می‌گردد که اندیشه‌های مادی و غیر دینی بر ادبیات حکمفرما بود و گاه حتی اندیشه‌های نقطه مقابل تعالیم اسلامی در آثار کودکان به چشم می‌خورد.

دانا خدای مهربان/ اندر زمین و آسمان/ هر چند با هر گونه کار/ باشد به پیشش آشکار/ هر کس بگوید حرف زشت/ جایش نباشد در بهشت/ آهسته یا بلند/ داند خدای ارجمند/ هر روز و شب نامش بخوان/ منما خدا دور از زبان/ یزدان همیشه یار تو/ خشنود باد از کار تو (فارسی سوم- ۱۳۲۲)

در اشعار یمینی از تعالیم دینی چون نماز و روز و... خبری نیست و از شخصیت‌های مذهبی اسمی به چشم نمی‌خورد. اگر به مضامین خداشناسی اشاره کرده باشد بیشتر به صورت کلی گویی است و کودک نمی‌تواند با آن به شناخت برسد. با مطالعه تمام اشعار یمینی به این نتیجه می‌توان رسید که مضامین دینی هیچ نقشی در تعلیم و تربیت اشعار او ندارد و این یکی از ویژگی‌های ادبیات کودکان این دهه است. چنانکه خلأ محسوسی در زمینه آثار دینی برای کودکان و نوجوانان حس



می‌شد و آثار هیچ کدام از شاعران دوره مورد بحث جنبه دینی نداشتند بلکه گاهی در نقطه مقابل آن قرار می‌گرفت. (باحقی، ۱۳۷۸، ۲۹۸)

حیوان دوستی

یمینی برای جلب ترحم و محبت بچه‌ها به حیوانات و بیان ظلم و ستم که انسان‌ها بخصوص بچه‌های کوچ‌بچه به حیوانات می‌کنند و همچنین مطرح کردن روابط اجتماعی ستمکار و ستم‌کش اشعاری سروده است. در دلد حیوانات یکی از این اشعار است.
الاغہ میگه:

قیمت جان شده جو	یک و دو یک و دو
هی بیرو، هی بیرو	نه جوی، نه گاهی
چشم می‌سیره سبایی	چه راهی، چه راهی!
نکرده هیچ گناهی	یا سیخه یا چوبه

رفتار مناسب کودک

کودکانی که در اشعار یمینی شریف توصیف می‌شوند بچه‌های تمیز و مرتب شهری هستند. این کودکان بسیار مودب هستند و با پدر و مادر خود به خوبی رفتار می‌کنند. اما با اندک تاملی در جامعه روز یمینی شریف متوجه می‌شویم که بیشتر کودکان از این گروه نیستند. به نظر می‌رسد مخاطب یمینی فقط کودکان شهری هستند که این مساله مورد نقد در میان نویسندگان ادبیات کودکان نیز قرار گرفته است.^۱

بچه‌ی خوب و عاقل و هوشیار / اول صبح می‌شود بیدار / می‌رود از اتاق خود بیرون / می‌برد آب و حوله و صابون / می‌کند دست و روی خود را پاک / خوب دندان خویش را مسواک / می‌زند شانه‌ی تمیز به موی / صاف و براق می‌کند سر و روی / می‌نماید لباس تمیز دربر / می‌رود با ادب به پیش پدر / سخن اول و شروع کلام / می‌کند با پدر به مهر سلام / می‌رود با دهان خندان پیش /



می زند بوسه دست مادر خویش / می نشیند برای صبحانه / بعد از آن ترک می کند خانه / به دبستان برای کسب کمال / بچه‌ی خوب می رود خوشحال. (فارسی دوم- ۱۳۲۲)

مضامین اجتماعی و فرهنگی

«جامعه و تغییرات و دگرگونی‌های آن، نگرش ادبا و شعرا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بالطبع آثاری که خلق می‌شوند از این تأثیر بر کنار نمی‌ماند اما این تأثیر را می‌توان در شعر کودک و نوجوان به دو صورت بررسی کرد. پیروزی انقلاب و جنگ دو نمود این مهم هستند. بهر حال شاعران هر روز بیشتر از قبل به سفارش ذهن خود یا احساس نیاز اجتماع به آموزش و تعلیم کودکان برای آنان شعر یا سرودند یا حتی ساختند. برای مناسبت‌های مختلف علمی و فرهنگی همچون روز معلم، روز دانش آموز و یا اهمیت خواندن کتاب مثل:

من یار مهربانم / دانا و خوش زبانم / گویم سخن فراوان / با آنکه بی زبانم / پندت دهم فراوان / من یار پند دانم / من دوستی هنرمند / با سود و بی زیانم / از من نباش غافل / من یار مهربانم. (یمینی، ۱۳۹۰: ۱۹)

بهداشت

«گاهی دیده می‌شود و هنوز هم دیده می‌شود که در محیط‌های کثیف بچه با مگس سازگار شده و مگس‌هایی را که روی لب، کنار چشم و زیر سوراخ بینی او می‌نشیند، تحمل می‌کنند. حتی آنها را نمی‌پراند و مگس‌ها هم به تغذیه در جاهای مناسبی که گیر آورده اند مشغولند.» (یمینی، ۱۳۷۳، ۳۱).
 چه زبانی مناسبتر از شعر «مگس میگه» بود که در ستون بهداشتی مجله ثبت شده بود.
 مگس میگه:

خاکرو به جای من ه کتافست اعضای من ه
 تخم هزار ناخوشی چسبیده ب پای من ه

(یمینی، ۱۳۷۳، ۳۱)



بدیهی است وقتی بچه‌ها این شعر را بخوانند مگس را از خود دور خواهند کرد و دیگر اجازه نمی‌دهند مگس بر صورت و لباس آنها بنشیند. و بدین گونه به صورت غیر مستقیم کودک به مضرات مگس پی می‌برد.

فروتنک همزیستی مسالمت آمیز با همسایه‌ها

یمینی در مورد بچه‌هایی که در تابستان در کوچه‌ها جمع می‌شدند و اوقات فراغت خود را با پرتاب کردن سنگ به همدیگر یا به خانه‌های همسایه‌ها می‌گذراندند. شعر نصیحتی و باز دارنده «آنچه بچه جان تو کوچه سنگ پران» را سرود. او درباره این شعر چنین می‌گوید:

در اندیشه این بودم که شعری برای بچه‌ها با این مضمون بسرایم که «یکی از همین سنگها به سر فرزند آقای بنی احمد خورد و آن را شکست و بچه را روانه بیمارستان کرد. این اتفاق عزم ما را در نوشتن مقاله جزم کرد. نوشتن مقاله را من به عهده گرفتم. ولی آن را به شعر نوشتم آنهم بر وزنی برانگیز و نشاط آور که برای جست و خیز و رفتارهای پر تحرک بچه‌ها مناسب بود» (یمینی، ۱۳۷۳، ۲۹). در این شعر افزون بر اینکه کار خطرناک پرتاب سنگ مورد نکوهش واقع شده است، معلوماتی اجتماعی به کودک داده می‌شود که کار اشتباه چه عواقبی دارد.

آهای آهای ای بچه جان توی کوچه سنگ نپران
سنگ یزنی سر میشکنی خدا نکرده ناگهان
سرکه شکستی شروشور خون می‌ریزه از جای آن

این شعر میان منتقدان به شعر نصیحتی مشهور شده است و با وجود اینکه نکات تعلیمی در آن وجود دارد و تقریباً یک شعر فرمایشی است ولی از لحاظ زیبا شناسی شعر لاغری هست و سخته‌های فراوان و همچنین حشو زاید در آن به چشم می‌خورد.

مضرات سیگار

یمینی برای آگاه کردن نوجوانان از مضرات سیگار نیز یاد کرده است. او که شاهد تقلید کودکان از بزرگسالان بود شعر سیگار را در مجله درج کرد. این شعر نه تنها در سال سرایش ۱۳۲۳ بر سر



زبانها افتاد، بلکه در فروردین ماه ۱۳۶۵ نیز در برنامه ای در رادیو که برای مضرات سیگار ترتیب

داده شده بود، خوانده شد. (یمینی، ۱۳۷۳، ۳۰)

فکر می کنی این کار خوبه؟ کشیدن سیگار خوبه؟

تو آدمی یا دودکشی؟ یا چوب روی آتیشی؟

اختر بگو چه سود داره چه فایده ایمن دود داره؟

سیگار کشی هنر نشد جز مایه ضرر نشد

(یمینی، ۱۳۷۳، ۳۰)

نتیجه گیری

تعلیم و تربیت انسان‌ها مهمترین و با ارزش ترین مساله در زندگی انسان به شمار می رود و شامل شیوه های مختلفی است. یکی از این شیوه ها قصه گویی است. میل ذاتی کودک به شنیدن قصه موجب شده است تا قصه گویی به عنوان یکی از روش های آموزشی و تربیتی در طول اعصار مورد توجه باشد. قصه گویی در بسیاری از کشورها امری مهم تلقی می شود و این موضوع حق بچه هاست و با داشتن برنامه مناسب در زندگی می توان زمانی را به این مساله اختصاص داد. قصه گویی یکی از راه های ایجاد علاقه به مطالعه است و اگر از دوران کودکی نهادینه شود در آینده می توان انتظار فرزندان کتابخوان را داشت که برای تولید فکر و اندیشه گام برمی دارند. عادت به مطالعه تا سن هشت سالگی در کودکان شکل می گیرد. از این رو باید سعی کنیم عادت قصه گویی را در آنها نهادینه کنیم.

باید گفت یمنی شریف نخستین کسی است که از همان آغاز تمام هم و غم خود را در مورد شعر کودک صرف کرد و جز شعر کودکانه نسوده و جز به کودک فکر نکرد. به این دلیل، باید او را نخستین شاعر کودک در ایران بدانیم؛ شاعری که شعرهایش فراتر از شعرهای کودکانه ای است که شاعران مذکور، بر حسب ذوق و علاقه و شاید تفنن، برای کودکان شروده یا ساخته بودند. علاوه بر این ها، یمنی شریف نه تنها شعرهای کودکانه بسیاری سرود، بلکه اشعارش از نظر فضای کودکانه ای که داشت، از اشعار پیشین ممتاز بود. با این حال، اگر با معیارهای شعر کودک، که



امروزه مورد نظر است، نگاه کنیم، شعر یمینی شریف «نقطه‌ی بلوغ» شعر کودک در ایران نیست. به هر حال، یک واقعیت مهم را نمی‌توانیم نادیده بگیریم که یمینی شریف تنها شاعری است که بیش‌ترین تعداد از اشعار او طی بیش از پنجاه و پنج سال به طور مرتب در کتاب‌های دبستانی آمده است؛ تا جایی که هم اکنون نیز تنها در کتاب‌های فارسی دبستان شعر او وجود دارد.

منابع و مآخذ

- ایرج میرزا، جلال‌الملک، ۱۳۵۳، دیوان، به کوشش محمدجعفر محجوب، تهران.
- حسن‌لی، کاووس، فراز و فرودهای شعر یمینی شریف، بی‌جا، بی‌تا
- خلج، حسن، ۱۳۹۱، بررسی تأثیر تربیتی قصه‌های قرآنی در تربیت دینی کودکان، نشریه علمی-تخصصی تربیت تبلیغی، سال اول شماره اول.
- دیویی، چمبرز، ۱۳۶۶، ثریا قزل ایاع، قصه‌گویی و نمایش خلاق؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شجری، رضا، ۱۳۸۴، ادبیات کودکان در ایران، تهران، عیاران، چاپ دوم
- صادق‌نژاد، محمود، ۱۳۹۲، نشریه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه ادب تعلیمی، سال پنجم شماره هفدهم، ۱۹۰-۱۵۷
- قنبری، وجیهه، جایگاه قصه در آموزش کودک، نشریه خراسان، ۱۳۸۱
- کیانوش، محمود، ۱۳۵۲، شعر کودک در ایران، نقد و بررسی، تهران، آگاه
- گرمارودی، سید مصطفی موسوی، ۱۳۸۲، شعر کودک از آغاز تا امروز، تاریخ و نقد، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- گلچین گیلانی، مجدالدین میرفخرایی، ۱۳۵۰، گلی برای تو، تهران، سخن
- طغیانی، اسحاق و خدایار مختاری، ۱۳۹۱، ابعاد قصه‌های پروین، مجموعه مقالات همایش ملی ادبیات تعلیمی و گونه‌های آن، ج ۲، به کوشش احمدرضا یلمه‌ها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، ۷۹۹-۷۸۵
- هاشمی نسب، صدیقه، ۱۳۷۱، کودکان و ادبیات رسمی ایران، تهران، سروش.



- محمدهادی محمدی - زهره قایینی، ۱۳۸۴، تاریخ ادبیات کودکان در ایران، تهران، چیستا، جلد ۴ و ۶.
- یاحقی، محمدجعفر، ۱۳۸۵، جویبار لحظه‌ها، ادبیات معاصر فارسی، نظم و نثر، تهران، جامی.
- یمینی شریف، عباس، ۱۳۴۵، آواز فرشتگان، تهران، سازمان کتاب‌های طلایی وابسته به انتشارات امیرکبیر.
-، ۱۳۹۰، کتاب خوب، فارسی دوم دبستان، تهران، اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی.
-، ۱۳۷۳، نیم قرن در باغ شعر کودکان، تهران، انتشارات روش نو
-، ۱۳۵۲، گل‌های گویا، تهران انتشارات روش